

ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر - هر کس حق دارد کار کند ، کار خود را آزادانه انتخاب نماید ؛ شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد . . . و هر کس که کار میکند بمرتبه منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تأمین کند . . .

حقوق و شخصیت کارگر

انتظار غلط !

مقام کارگر

وارد بوستانی شد ؛ گلهای رنگارنگی را مشاهده کرد که برخی قرمز و بعضی بنفش و قسمتی بالوان دیگر رنگ آمیزی شده بود و دست توانای مهندس آفرینش هر کدام آنها را بالوان و اشکال و بوهای مخصوصی زینت بخشیده بود .

آنچه که بیشتر از همه چیز شخص ناظر و تماشا کننده را تحت تاثیر قرار داد و بر نشاط او افزود همین تنوع و اختلاف رنگها و شکلهای گلهای بود که اگر تمام آنها یک رنگ ، یک شکل و دارای بوی واحدی بودند هیچگاه مانند حالت نخست برای او نشاط انگیز و خواستنی نبود . و بایستی در نظر داشت که این حقیقت تنها مخصوص بیک بوستان نیست بلکه بوستان زندگی و بطور کلی نظام آفرینش مشمول همین حقیقت غیر قابل انکار است .

افراد بشر از نظر ساختمان جسمی و روحی و استعداد های بدنی و روانی نسبت بیکدیگر تفاوت های بسیاری دارند ؛ گروهی قوی و توانا ، و جمعی ضعیف و ناتوان ، طائفه ای فعال و با نشاط و عده ای تنبل و پژمرده ، بعضی خوش فکر و باهوش و برخی کودن و نهم . . . اند . روی این جهات و شرائط زمانی و مکانی دیگر ، هیچگاه نبایستی انتظار داشت که تمام افراد جامعه از نظر زندگی مادی و معنوی در یک سطح کاملاً متساوی قرار گیرند و البته جای

هیچگونه تردید هم نیست که در غیر این صورت نظام چرخ زندگی اجتماعی نیز مختل خواهد شد روی همین اصول یاد شده است که تا آنجا که تاریخ نشان میدهد، بشریت در جمیع ادوار زندگی بگروه‌های متفاوت و متمایزی منقسم بوده و هر کدام مسئولیت گوشه‌ای از اجتماع را بعهده داشته‌اند، عده‌ای رئیس و برخی مرئوس؛ جمعی کارفرما و بعضی کارگر... بحساب می‌آیند و در عصر ما نیز با آنهمه قدم‌های مثبت و افراطی که در دنیای کمونیست برای الغای امتیازات طبقاتی و بالا بردن سطح زندگی طبقه پرولتاریا برداشته شده هنوز هم نتوانسته‌اند امتیازات مقامی را بطور کلی لغو سازند و بکارگران در هر تبه و مقامی که هستند اجرت مساوی بدهند زیرا هیچ عقلی اجازه نمیدهد که حقوق یک نفر مهندس؛ دانشمند، دکتر و سیاستمدار عالی‌رتبه‌ای که چرخ صنعت، دانش؛ بهداشت و سیاست مملکت را بگردش در می‌آورند؛ بایک کارگر معمولی مساوی باشد.

نهایت کاری که در دنیای کمونیست انجام گرفت اینست که ثروتها؛ کارخانه‌ها و بطور کلی قدرت‌ها از دست سرمایه داران و افراد مملکت خارج و در دست دولت تمرکز یافته‌است و گفتگودر درستی و نادرستی این طرز حکومت خود نیازمند به بحثهای طولانی دیگریست که در فرصت مناسبی بایستی از آن بحث کرد.

ممکن است خواننده محترم از گفتار ما تا اینجا چنین نتیجه گرفته باشد که ما میخواهیم روی آنهمه ستمگریها و اجحافات و اختلافهای طبقاتی که در طول تاریخ بشریت دیده شده و آنهمه فجایع تنگین که از این راه حاصل شده است صحه بگذاریم و منظور داریم که از سرمایه داران بپادشاه و اختلاف طبقاتی تنگین قرون وسطائی جانبداری نمائیم ولی منظور ما این نیست بلکه مقصود اینست که سرشت آفرینش انسان که بر مبنای اختلاف و تفاوت نهاد شده بعلاوه طرز تشکیلات هر جامعه صحیح مقتضی اینست که گروهی رئیس و جمعی مرئوس، بعضی کارفرما و عده‌ای کارگر... باشند و معنی این کلام این نیست که شخص عالی‌رتبه از نظر قانونی میتواند نسبت بزیردست خود ستم روا بدارد و یا کارفرما قادر است هر بلائی را سراسر کارگر آورده حقوقش را تضییع نماید. تفاوت و امتیازات را که ما فوقاً بآن اشاره کردیم تنها مربوط بامتیازات تکوینی است و بقاء کیان جامعه بستگی بآن داشته و هر فردی طبق استعداد و ولایت ذاتی میتواند در حدود قلمرو قانون از آن بهره‌مند شود و بایستی از آن سوء استفاده نماید (۱)

(۱) در بعضی از آیات قرآن مانند: «ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض - نساء

آیه ۳۲» و هم چنین آیه ۳۲ از سوره زخرف: «ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات» اشاره بهمین

اختلاف تکوینی بین افراد جامعه شده است رجوع شود به تفسیر المیزان ج ۴ ص ۳۶۱

مقام کارگر

تا آنجا که کاوشها و بررسیهای تاریخی نشان میدهد در بسیاری اوقات طبقه‌های نیرومند و ذی نفوذ از قبیل : زمامداران ؛ اشراف و صاحبان تیول و بالاخره سرمایه‌داران و متمکنین، عامه مردم و طبقه محروم و بینوا را استثمار میکردند و از آنها مانند برده و غلام کار می‌گرفتند و از دست‌رنج آنان با پرداخت اجرت بیمه‌گذاری متمتع و بهره‌مند میشدند اوضاع زندگی طبقه کارگر روز بروز وخیم‌تر میشد مخصوصاً در قرون وسطی کار فرمایان دامنه‌ستیم و اجحاف را گسترش دادند ، ساعتها از کارگران کار می‌گرفتند و در پرداخت اجرت بحد اقل قناعت می‌کردند و از اینراه فاصله عمیقی از نظر سطح زندگی بین خود و کارگران پدید آوردند و میرفت که درخت وجود کارگر خشک گردد (۱) تا بالاخره زمزمه‌هایی در گوشه و کنار بعنوان حمایت از کارگران بلند شد و : ایدئولوژی سوسیالیسم رابرت اوون، بداد کارگران رسید .

رابرت اوون ؛ سرمایه دار انگلیسی در اوائل قرن ۱۹ بهواداری کارگران برخاست از راه پدید آوردن شرکت تعاونی و بالا بردن اجرت کارگران و محدود کردن ساعات کار و ممنوع ساختن اطفال کمتر از ۹ سال برای کار و دعوت از کارفرمایان که بنحود اطلبی و وسائل آسایش و رفاه کارگران را فراهم سازند و نظائر اینگونه عملیات خیر خواهانه توانست تا حدود زیادی کارگران محروم را از زیر یوغ اربابان و کارفرمایان سنگین دل نجات بخشد و با فراهم ساختن « سوسیالیسم نوین » راههای دشوار « جنبش کارگری » را برای « مارکس » و « انگلس » هموار سازد (۲)

ولی مقارن همان دوران سیاهی که کارگران اروپا و سائر ملل زیر یوغ کار فرمایان بیمار و آخرین رمق را طی می‌کردند ؛ پیغمبر اسلام با برنامه‌های جامع الاطراف و همه‌جانبه‌اش ظهور کرد و از کارگران و زحمت‌کشان حمایت و جان‌نهداری عاقلانه و صحیحی نمود .

پیغمبر اسلام آخرین احترام و شخصیت حقوقی را که برای کارگران ممکن بود ، در حق آنان روا داشت و جمله‌ایکه پس از قرنها پدید آورندگان جنبش کارگری سر لوحه مبارزات خود قرار دادند و بکارگران تعلیم میدادند که بگویند : «تو یکی - منم یکی» یعنی من و تو هر دو مساوی هستیم و از نظر حقوق مزیتی بر یکدیگر نداریم ؛ در آنروزگار تیره با لطیف‌ترین تعبیرات درباره فرزندان آدم ؛ بیان فرمود : « الناس کاسنان المشط سواء » (۳)

(۱) اقتباس از دائره المعارف قرن بیستم تألیف فرید و جدی ج ۱ ذیل ماده اجر

(۲) اقتباس از ج ۳ تاریخ فلسفه سیاسی صفحه ۹۲۹ .

(۳) یعنی مردم مانند دندانهای شانه (از نظر حقوق) مساوی هستند . من لایحضر ص ۵۷۹

پیغمبر اسلام با جملاتی مانند : « ایہا الناس ان ربکم واحد وان اباکم واحد کلکم لادم و آدم من تراب اکرمکم عند اللہ اتقیکم ... » (۱) فاصلہ عمیق و درعین حال مہوم طبقاتی را پر کرد و ہمہ مردم را بایکدیگر برادرو برابر ساخت ؛ بنا بر این کار فرما از اینجہت کہ دارای ثروت و سرمایہ است از نظر اسلام حق ندارد نسبت بکارگر بجرم اینکہ تہید است است فخر بفروشد و با اجحاف و تعدی نماید بلکہ ایندو طائفہ را نسبت بیکدیگر لازم و ملزوم می شمارد کہ یکی دارای سرمایہ پول و دیگری دارای قدرت انتاج و تولید است کہ نہ سرمایہ بدون کار و نہ کار بدون سرمایہ ؛ هیچکدام مفید نخواہد بود ؛ آنوقت طرفین (کار فرما - کارگر) میتوانند از مایملک خود بہرہ برداری کنند کہ از یکی نیرو و از دیگری سرمایہ گذاشتہ شود و یک نحو مبادلہ ای صورت گیرد .

گرچہ ما در مقالہ آیندہ وقتیکہ از «قراردادہای کاری و وظائف کار فرما و کارگر» بحث میکنیم حقوق و شخصیت کارگر نیز ضمناً معلوم خواهد شد لیکن در اینجا نیز لازم میدانیم گوشہ ای از دستورات اسلام را دربارہ ارزش و حقوق کارگر بیان نمائیم :

۱ - اسلام بر خلاف دوران فتوہ دلیتہ و خان خانی کہ کارگران را بجزیر و اداریکارہا مینمودند و از دسترنج آنان بہرہ مند میشدند ، دستور میدہد ہرچسک حق ندارد کارگر را مجبور بانجام کاری کند ، او کاملاً در انتخاب و انجام کار آزاد است (۲)

علی (ع) میفرماید : «ولست اری ان اجبر احداً علی عمل یکرہہ ، (۳) و چنانچہ کسی را بدون رضایت او و اداری بکاری نمودند ؛ مالک دسترنج او نمیشوند و مدیون او نخواہند بود (۴)

۲ - اسلام صرف نظر از اینکہ حیث و میل کردن حقوق کارگران را گناہی بس بزرگ و جرمی بی نہایت عظیم می شمارد (۵) دستور میدہد ہرچہ زودتر بلکہ قبل از خشک شدن عرق کارگر

(۱) ای مردم خدای شما یکیست ، پدر شما یکی است ، ہمہ شما از نسل آدم ہستید و آدم از خاک آفریدہ شدہ است ، گرامی ترین شما نزد خدا پرہیز کارترین شما است (روح الدین الاسلامی ص ۲۴۲)

(۲) در تمام کتب فقہی رضا را از شرایط لزوم عقد میدانند .

(۳) ج ۱ امام علی صوت العدالۃ الانسانیہ ص ۱۷۳ .

(۴) کتب فقہی .

(۵) پیغمبر اسلام فرمود : « خداوند تمام گناہان را میآمرزد جز گناہ کسیرا کہ دین باطلی احداث کند ، یا مزد کارگر را غصب کند و یا آدم حرو آزاد را بفروشد (وسائل ج ۲ ص ۶۴۴) .

بایستی حقوق او با و پرداخت شود :

امام صادق (ع) میفرماید : **«اعظمهم اجورهم قبل ان یجف عرقهم»** (۱) سید قطب نویسنده توانای مصری ؛ فلسفه این دستور اسلامی را چنین بیان میکند : «اسلام در تشریح این قانون ، نیازمندی مادی و روحی کارگر را در حدود زندگی او ملاحظه کرد ، اما نیازمندی روحی او از این جهت که خواست بدینوسیله اشعار کند که او مورد عنایت است و سرعت در اداء اجرت کارگری خود نشانه اینست که موقعیت و کار و کوشش او در جامعه محترم و دارای حساب معینی است .

و نیازمندی مادی او هم از این جهت که شخص کارگر غالباً نیازمند است که در اسرع اوقات مزد کارگری خود را دریافت دارد تا از آن راه حوائج و ضروریات خود و خانواده اش را تأمین نماید و تاخیر در اداء آن یکنحو اذیتی نسبت با و و محروم نمودن از ثمره فعالیت اوست و این تأخیر خود از عواملی است که نشاط و رغبت او را نسبت بکار کم میکند و حال آنکه اسلام جدیت فراوانی دارد که هر کسی تا آن اندازه که قدرت و توانائی دارد بکوشد در حالیکه رضایت روحی و مادی از این کار خود داشته باشد» (۲)

۳ - اسلام برخلاف افکار قرون وسطی که برای کارگر احترام و شخصیتی قائل نبودند او را با بردگان و حیوانات برابر میدانستند ، آنچنان از او احترام کرد تا جائیکه پیشوای اسلام در حق کارگری که دستش از جهت کارگری پینه بسته بود فرمود : **«هذه ید یحبها الله»** «یعنی این دستی است که خدا آنرا دوست میدارد»



مطالبعی که تا کنون درباره حقوق و شخصیت کارگر نوشته ایم بعلاوه مطالبی که در بخشهای آینده راجع به : «آزادی انتخاب شغل و پیشه ، محدودیت ساعات کار ؛ قراردادهای کارگری و وظائف کارفرما و کارگر ، خواهیم نوشت بخوبی نظر و احترام اسلام را نسبت بزحمت کش و کارگر ، روشن خواهد ساخت .

(۱) مزد کارگران را قبل از خشک شدن عرق آنها با نان بدهید (وسائل ج ۲ ص ۶۴۴ .

(۲) العدالة الاجتماعية فی الاسلام ص ۱۱۴